

بسمه تعالی

شاخص‌های اصلی حکمرانی متعالی در حکومت حضرت ولی عصر (عج)

(با نقد مبانی حکمرانی خوب)

نویسندگان:

حجت الاسلام دکتر حسین متفکر^۱

رضا مددی^۲

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (hossmot9050@yahoo/com)
^۲. کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه پیام نور

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی شاخص های اصلی حکمرانی متعالی در حکومت حضرت ولی عصر (عج) می باشد. در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی استنباطی برای توصیف شاخص های حکمرانی استفاده شده است. برای جمع آوری اطلاعات، روش مطالعه اسناد و مدارک و احادیث اهل بیت (ع) به کار گرفته شده است. اعتبارسنجی شاخصه ها نیز با عرضه آن ها به قرآن کریم و روایات و دیدگاه های اندیشمندان گذشته و معاصر شیعه انجام شده است. با کمک گرفتن از منابع موجود به جمع آوری مطالبی که قابلیت استفاده دارند اقدام شده و سپس مطالب مورد نیاز از میان آنها استخراج شد و در نهایت پس از تکمیل این فرآیند به صورت دقیق و آگاهانه، نتایج لازم قابل برداشت می باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که **علم، امنیت و عدل شاخص ترین بارز حکومت حضرت مهدی (عج) است.** مردم آن قدر به رشد معنوی و کمال روحی نایل گردند که تمام افراد یا حداقل اکثر آنان، خواهان عدل باشند و خود عملاً آن را به اجرا گذارند. در حکومت حضرت ولی عصر در پرتو ارشاد و هدایت حضرت مهدی (عج) و در زیر دست عنایت او، مغزها در مسیر کمال به حرکت در می آید و اندیشه ها شکوفا می شوند. امام زمان (عج) نیز پس از امامان معصوم علیهم السلام در زدودن فقر می کوشد و نه تنها فقر را کاهش می دهد، بلکه به حذف کامل آن توفیق می یابد. به طور کلی در این تحقیق علاوه بر شاخص های حکمرانی خوب عدالت، امنیت، فقرزدایی در حکومت مهدوی، عزل و طرد کارگزاران ناصالح، عدالت اقتصادی در حکومت مهدوی، عدالت قضایی در حکومت مهدوی در حکومت حضرت ولی عصر (عج) به عنوان شاخص های حکمرانی متعالی بررسی شد

کلمات کلیدی: حکمرانی متعالی، شاخص ها، حکومت حضرت ولی عصر، عدالت

مقدمه

الگوی حکمرانی متعالی، شیوه حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روش های اسلامی و متکی بر مطلوبیت ها و خواست های اسلام طرح ریزی شده است. این الگو که بر مبنای نظریه مردم سالاری دینی طراحی شده است، بدیلی برتر برای مدل «حکمرانی خوب» محسوب می شود و می تواند برای ادیان و مذاهب گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. مولفه ها، اصول و شاخص های حکمرانی اسلامی در چارچوب سه رابطه اصلی «روابط حکومت و مردم»،

«روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی «و» نظام اداری و روابط اجزای حکومت «قابل طراحی و تبیین است (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۶: ۲۰).

رهیافت دولت بزرگ، ره یافت دولت کوچک، و الگوی حکمرانی خوب. برای اعمال حکمرانی خوب، نهادهای بین المللی شاخص هایی را مطرح کردند. هر اندازه کشوری به این شاخص ها نزدیک تر باشد توسعه یافته تر به حساب خواهد آمد. حکمرانی خوب نقشه راهی است که کشورهای مسلط جهان و کشورهای غربی پیش روی کشورهای جهان سوم ترسیم کرده اند و حرکت روی این نقشه، تأمین کننده منافع کشورهای مسلط است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷). براین اساس، حکمرانی خوب و شاخص های آن، که توسط نهادهای بین المللی تعریف و تبیین شده است، نمی تواند الگو و برنامه ای متعالی برای پیشرفت و توسعه جامعه بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای اسلامی، باشد. زیرا اولاً، حکمرانی خوب و شاخص های آن مبتنی بر جهان بینی مادی (همان: ۱۰۷) است، و ثانیاً، حکمرانی خوب و شاخص های آن در مقاطع مختلف تاریخی، عامل بحران های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی در غرب و جهانی پیرامون بوده است (همان). در دوران ظهور، اصل عدالت در همه مسائل کلی و فرعی هستی جریان می یابد، به گونه ای که هیچ ستمی به احدی روا نمی شود یکی از ویژگی های حکومت حضرت مهدی (عج)، برقراری صلح و امنیت است همان گونه که امام حسن مجتبی علیه السلام در حدیثی می فرماید:

در دوران سلطنت و دوران فرمان رویی او، درندگان با یکدیگر آشتی می کنند. «با ظهور مهدی (عج) عدالت و امنیت، فرجامی خوش می یابد از پی آمدهای عدالت اقتصادی در جامعه مهدوی، بهره مندی همه افراد جامعه از یک زندگی مادی مطلوب و آبرومندانه است، به گونه ای که افراد نیازی به درخواست مال از دیگران نداشته باشند.» زندگی در این سطح از رفاه، همراه با رشد عقلانی و پاکی درون و ریشه کنی صفات رذیله ای چون حرص و طمع از دل و جان انسان ها، همان حیات طیب است که خداوند می خواهد. زندگی ای که در ساحت آن، رشد و تعالی معنوی مردم بهتر و سریع تر باشد. امام صادق علیه السلام درباره برخورداری مردم از این سطح زندگی می فرماید:

هنگام قیام قائم ما، زمین با نور خدایی روشن شود و شما به جست و جوی اشخاصی برمی آید که مال یا زکات بگیرند و کسی را نمی یابید که از شما بپذیرد و مردمان همه به فضل الهی بی نیاز گردند. از مجموع آن چه در متون دینی در باب دولت و حکومت آمده است چنین بر می آید که اسلام بر شکل خاصی از ساختار نظام سیاسی با جزئیات

مشخص اصرار ندارد بلکه اسلام فراتر از معرفی شکل خاصی از حکومت و مناسب با احکام ثابت و تغییر ناپذیر خود، چارچوب کلی را معرفی نموده که آن چارچوب در درون خود تغییرات و اشکال متعدد و متنوع را پذیرا می‌شود البته اشکال حکومت نباید از چارچوب فراتر برود.

اسلام نه به طور کلی مردم را به حال خود رها کرده که هر چه خواستند انجام دهند و نه شکل و فرم محدودی را برای حکومت معرفی می‌کند که فقط در شرائط زمانی و مکانی خاصی قابل اجرا باشد. از چارچوب کلی به «حکومت و نظام اسلامی» تعبیر می‌شود این چارچوب کلی در زمانی با شکلی و در زمان دیگر با ساختار و شکل دیگر ظهور می‌کند و در عین حال هیچ یک از آن اشکال با ماهیت اسلامی بودن حکومت تضاد ندارد. این امر نتیجه این مطلب دقیق علمی و عقلانی است که اسلام احکام ثابتی دارد که برای همه جوامع تا روز قیامت وضع شده و در مقابل آن‌ها احکام جزئی و متغیر با شرائط خاص زمانی و مکانی وضع می‌گردد که آن نیز لازم الاتباع است. (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۹)

عدل شاخص ترین بارز حکومت حضرت مهدی (عج) است. در اسلام، مساله عدل، از روز نخست در تمام زمینه‌ها مورد توجه و عنایت بوده است؛ از بعد عقیدتی و دینی گرفته تا بعد فقهی و اجتماعی، از قرآن و سنت بر می‌آید که عدل و مظاهر آن، پسندیده و موجب خشنودی حضرت حق است؛ اما قدر و منزلت آن، به علت گستردگی و اقامه آن در سطح وسیع اجتماعی است؛ یعنی، مردم آن قدر به رشد معنوی و کمال روحی نایل گردند که تمام افراد یا حداقل اکثر آنان، خواهان عدل باشند و خود عملاً آن را به اجرا گذارند. پیامبران الهی، در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدل در جهان و در بین همه انسان‌ها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند؛ نه آن که به زور و قدرت حاکم به عدالت تن دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط.» (درخشه، ۱۳۹۶، ص ۱۷)

در حکومت حضرت ولی عصر در پرتو ارشاد و هدایت حضرت مهدی (عج) و در زیر دست عنایت او، مغزها در مسیر کمال به حرکت در می‌آید و اندیشه‌ها شکوفا می‌شوند. کوه بینه‌ها، تنگ نظری‌ها و افکار پست و پلید - که سرچشمه بسیاری از تضادها و برخوردهای خشنونت‌آمیز اجتماعی است -، برطرف می‌گردد و مردمی بلند نظر، با افکاری باز و سینه‌هایی گشاده و همتی والا و بینشی وسیع، پرورش می‌یابند، لذا هر ۲۷ حرف علم پیاده می‌شود.

حکومت حق، شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن، مردم کمترین امکانات اساسی زندگی را داشته باشند و برای همه کسانی که جویای کارند، امکان کار فراهم باشد و افرادی هم که درآمد کافی ندارند یا به هر علتی نمی‌توانند کار

کنند، در آمدی به اندازه نیازشان دریافت کنند. امام زمان (عج) نیز پس از امامان معصوم علیهم السلام در زدودن فقر می کوشد و نه تنها فقر را کاهش می دهد، بلکه به حذف کامل آن توفیق می یابد. از یک سو سرمایه های مادی فزونی می یابد و رشد اقتصادی پایدار پدید می آید و از دگر سو این امکانات، عادلانه توزیع می شود و فشار و ستم سودجویان زیاده خواه از بین می رود. سرانجام، مردم نیز سرشار از روحی الهی و آراسته به اخلاق و معرفت و تقوا می شوند، چنان که دامنه حرص و آز که سرچشمه گناهای چون تکاثر و بخل و احتکار و تنازع است، برچیده می شود. بنابراین مسئله اصلی این تحقیق تبیین شاخص های حکمرانی متعالی در حکومت حضرت ولی عصر (عج) می باشد. آنچه امروز موجب تفاوت و امتیاز کشورهای اسلامی از دیگر کشورهای جهان شده است، تلاش این نظام برای ارائه سبک جدیدی از زندگی، حکومت و حکمرانی بر مبنای آموزه های اسلام است. هدف از این پژوهش، بررسی شاخص های حکمرانی متعالی در حکومت حضرت ولی عصر (عج) می باشد. سوال اصلی تحقیق: مبانی نظری حکمرانی متعالی چیست؟ و شاخص های آن در حکومت حضرت ولی عصر کدام است؟ در این مقاله از روش تحقیق توصیفی استنباطی برای توصیف شاخص های حکمرانی استفاده شده است. برای جمع آوری اطلاعات، روش مطالعه اسناد و مدارک و احادیث اهل بیت (ع) به کار گرفته شده است. اعتبارسنجی شاخص ها نیز با عرضه آن ها به قرآن کریم و روایات و دیدگاه های اندیشمندان گذشته و معاصر شیعه انجام شده است. با کمک گرفتن از منابع موجود به جمع آوری مطالبی که قابلیت استفاده دارند اقدام شده و سپس مطالب مورد نیاز از میان آنها استخراج شد و در نهایت پس از تکمیل این فرآیند به صورت دقیق و آگاهانه، نتایج لازم قابل برداشت می باشد.

حکمرانی

از نظر بانک جهانی، حکمرانی عبارت است از: فرایند و نهادهایی که از طریق آنها تصمیمات اخذ و اختیارات در یک کشور اعمال می شود (بانک جهانی، ۱۹۹۹: ۳). از نظر برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در اداره امور کشور در تمام سطوح (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷: ۵). از نظر صندوق بین المللی پول، حکمرانی عبارت است از: بهبود اداره منابع دولتی، حمایت از توسعه و نگه داری محیط قانونی و اقتصادی با ثبات که هادی فعالیت های کارآمد بخش خصوصی باشد (صندوق بین المللی پول، ۲۰۰۵: ۴). از نظر کافمن، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه.

با توجه به تعاریف مزبور، حکمرانی دارای مراحل ذیل است: ۱. فرایند انتخاب و جایگزینی دولت ها؛ ۲. ظرفیت تدوین و اجرای خط مشی های مناسب و ارائه خدمات دولتی؛ و ۳. احترام شهروندان و تعامل اجتماعی و اقتصادی که

میان نهادها حاکم است (کافمن، ۲۰۰۳، ص ۵). همان گونه که ملاحظه می شود، در بیشتر این تعاریف، اعمال اقتدار وجود دارد و در تعریف اول، کلمه فرایند ذکر شده است. در تعریف دوم، حوزه های اداری، سیاسی و اقتصادی وجود دارد. در تعریف سوم، بخش خصوصی ذکر شده و در تعریف کافمن نهادهای رسمی و غیررسمی آمده است. با توجه به معیارهایی که در این تعاریف ذکر شده، می توان گفت: حکمرانی عبارت است از: فرایند اعمال اقتدار در حوزه های اداری، سیاسی و اقتصادی از طریق نهادهای رسمی (دولت) و غیررسمی (بخش خصوصی) برای اداره جامعه.

حکمرانی خوب

از نظر برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی هایی همچون مشارکت جویی، شفافیت، پاسخ گویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون، و تعیین اولویت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع تر، که در آن ندای ضعیف ترین و آسیب پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷: ۲۵). از نظر اداره انکشافی ایالات متحده آمریکا، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت دموکراتیک، شفاف، جمع گرا، مشارکت دهنده شهروندان در تصمیم گیری ها، نمایندگی از مردم، و پاسخ گویی که بر پنج مبنای تحکیم قانون گذاری، غیرمتمرکز و اداری حاکمیت محلی و دموکراتیک، ضد فساد، دارای روابط کشوری - لشکری، و بهبود اجرای خط مشی تمرکز دارد (اداره توسعه ایالات متحده آمریکا، ۱۹۹۷: ۱). از نظر بخش توسعه بین المللی، حکمرانی خوب هفت شایستگی کلیدی دارد:

- دارای خط مشی مشارکتی؛ - رافع فقر و ثبات اقتصادی؛ - مجری خط مشی های پشتیبانی از فقرا؛ - تأمین کننده خدمات اساسی اثربخش به صورت عادلانه؛ - تأمین کننده امنیت و سلامتی فردی؛ - مدیریت پاسخ گویی راه کارهای امنیت ملی؛ - توسعه دهنده دولت پاسخگو و امین (بخش توسعه بین المللی، ۲۰۰۱: ۹).

از نظر کافمن، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیتی که بر مبنای ابعاد گوناگون (پاسخ گویی خارجی و ندای ذی نفعان، ثبات سیاسی و فقدان خشونت و تبه کاری و تروریزم، اثربخشی دولت، فقدان تحمیل قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد قابل سنجش است (کافمن، ۲۰۰۳: ۵) همان گونه که ملاحظه می شود، تعاریف مزبور برای حکمرانی خوب عمدتاً، یا به شاخص ها و ویژگی هایی مانند پاسخ گویی، شفافیت و مشارکت اشاره دارد و یا به آثار

مترتب بر این شاخص ها، مانند توسعه، امنیت، رفع فقر و ثبات اقتصادی، اما به عناصر و مؤلفه های حکمرانی خوب مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی که بسیار مهم هستند، نپرداخته است. با توجه به تعاریف مزبور و تعاریف مشابه دیگر، حکمرانی خوب را می توان به این صورت تعریف نمود: نهادها (دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی)، فرایندها، و روش هایی که مشخص می سازد: تصمیم ها چگونه گرفته شوند؟ قدرت چگونه اعمال شود؟ و شهروندان چگونه نظریات و خواسته های خود را بیان دارند؟ (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۹: ۲۵)

مبانی نظری حکمرانی خوب

حکمرانی خوب در ابتدا رویکرد اقتصادی داشت؛ یعنی هدف از شکل گیری آن توسعه اقتصادی بود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۶). سپس با توجه به اینکه دولت به عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب، در میان مجموعه عناصر آن، باید قوی و با کیفیت ظاهر شود، رویکرد سیاسی نیز پیدا کرد. در زمینه توسعه اقتصادی، سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه دولت بزرگ، دیدگاه دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب. اینک هر یک از این دیدگاه ها بررسی می شود:

الف. دیدگاه دولت بزرگ

پس از جنگ جهانی دوم و همچنین پس از بحران بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۲۹ (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۶)، بیشتر نظریه پردازان و سیاست گذاران بر این باور بودند که تنها عاملی که می تواند از پس خرابی های جنگ و بحران و رکود اقتصادی برآمده، موجب توسعه اقتصادی شود، دولت است. از این رو، دولت همچنانکه در بعدی سیاسی تقویت می شود، در بعد اقتصادی نیز باید تقویت گردد و گسترش پیدا کند. (نادری قمی، ۱۳۹۰). این رهیافت از سال ۱۹۴۵، یعنی پس از جنگ جهانی دوم، شروع شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت. لازم به یاد آوری است که این رویکرد بر اساس راهنمایی مشاوران و اقتصاددانان کینزی در غرب، به اجرا گذاشته شد (نادری قمی، ۱۳۸۳: ۸۰).

ب. دیدگاه دولت کوچک : با گذشت قریب سه دهه از عمر نظریه قبل، ضعف و ناکارآمدی آن در صحنه اقتصادی آشکار شده و جای خود را به مفهوم متفاوت دیگری داده است. به عبارت دیگر، مفهوم دولت رفاه، که تلویحاً مبین نقش جامع دولت (دولت بزرگ) در اداره امور و برنامه ریزی است و جایگزین نقش اولیه گروه ها و مؤسسات اجتماعی و خصوصی گردیده، به تدریج، در حال محو شدن است و در بیشتر موارد، مشاهده می گردد که

جای خود را به مفهومی متفاوت داده است (رهنورد، ۱۳۸۸: ۲). از جمله ناکارآمدی ها و ضعف ها، می توان به تراکم نیروی کار در بنگاه های دولتی و نیز ایجاد بازدهی نزولی این بنگاه ها اشاره کرد (نادری قمی، ۱۳۹۰). این عوامل موجب شد بیشتر آنها با زیان دهی مواجه شوند. ضعف و ناکارآمدی رهیافت دولت بزرگ راه را برای ظهور رهیافت دوم، که از آن با عناوین اقتصاد بازار، مکتب شیکاگو، و نئولیبرالیسم، اجماع واشنگتنی یا تعدیل ساختار یاد می شود، هموار ساخت.

بر اساس این نظریه، دولت باید کوچک شود و نقش آن در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد کاهش یابد. بر مبنای این نظریه، دولت باید در کارهای بازار کمتر وارد شود و بیشتر کارها را به نیروهای بازار واگذار کند. در چنین شرایطی، دیدگاه طرف داران اقتصاد بازار، که خصوصی سازی را یک غایت و کمال مطلوب می دانستند و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بودند و به قدرت بازار، انتخاب مردم، کارآمدی رقابت، و قیمت بازار اعتقاد داشتند و معتقد بودند که این شیوه می تواند جای تخصیص دولتی منابع را بگیرند، حاکم گردید. طبق این دیدگاه، بازارها بهترین نتایج را به بار می آورند و قیمت ها بهترین تخصیص دهنده منابع هستند و هر گونه دخالت دولتی برای تغییر آنچه بازارها به وجود می آورند ضدتولیدی شمرده می شود. با توجه به این رویکرد، نگاه به دولت به عنوان عامل توسعه، به جدی ترین مانع توسعه تغییر یافت (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵).

ج. الگوی حکمرانی خوب: در اواخر دهه ۱۹۹۰ رهیافت سومی ظهور و نمود پیدا نمود به نام رهیافت حکمرانی خوب. این رهیافت بر دو رهیافت پیشین غلبه پیدا نمود. بر اساس این رهیافت، دو رهیافت قبلی دارای اشکالات بودند. مثلاً، رهیافت اول بر تراکم نیروی کار در دولت و بازدهی نزولی تکیه داشت. (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳، ص ۱۴) همچنین وجود همزمان تورم و بیکاری در اقتصاد به صورت عموم و در کشورهای غربی به صورت خاص از پیامدهای اجرای آن بود. این اشکالات زمینه شکل گیری رویکرد دوم، یعنی اقتصاد بازار و رویکرد دولت کوچک را فراهم نمود (همان: ۱۵).

رهیافت دوم نیز دارای اشکالات متعددی بود. این اشکالات، از سوی کارشناسان بانک جهانی مانند جوزف/استیگلیتز، معاون سابق بانک جهانی، و ناگلاس نورث، اقتصاد نهادگرا، مطرح شده اند. این اشکالات را پس از بحران شرق آسیا و تجربه نا موفق کشورهای اروپای شرقی و شوروی (سابق) و بحران های متعدد مالی در طول ۲۵ سال، بر سیاست

های تعدیل وارد نمودند و ضرورت اتخاذ اجماع پسا واشنگتنی را به عنوان یک راهبرد جدید، سیاست گذاری و مطرح کردند؛ (همان، ص ۱۶)؛ مثلاً، یکی از اشکالات بازار آزاد، حتی در رقابتی ترین اقتصادهای جهان مانند آمریکا، این است که اگر این بازار آزاد توسط دولت تنظیم نشود موجب بحران و ورشکستگی اقتصادی خواهد شد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۹). یا به گفته /سترتین، بازار بدون مداخله دولت، نهادی بی رحم و ویرانگر خواهد شد (همان: ۳۸). در این راهبرد جدید، مسئله ابعاد دولت، یعنی کوچک سازی، نقش محوری خود را به توانمندسازی دولت داد. (صوفی مجیدپور، ۱۳۸۳: ۱۲) توانمند سازی دولت تنها از طریق کوچک سازی تحقق پیدا نمی کند، بلکه علاوه بر آن، از طریق شایسته سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردسازی نظام های آماری، پولی و بودجه ای تحقق پیدا می کند. (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۹)

بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس توانمندی دولت تعریف نموده و دو راهبرد برای توانمندسازی دولت ارائه داده است: یک تطبیق ظرفیت ها با نقش های دولت، دیگری افزایش ظرفیت های دولت. منظور از راهبرد اول این است که دولت وظایف متعددی دارد و توانمندی های این نهاد مانند هر سازمان دیگری محدود است و بنابراین، باید ظرفیت های خود را به وظایفی اختصاص دهد که اولویت بیشتری دارند. (همان، ص ۲۶۳) البته این اولویت بندی باید توسط مردم انجام شود؛ زیرا اولویت از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت است؛ مثلاً، در برخی از کشورها اولویت اول حمایت از حقوق مالکیت، در برخی دیگر، اولویت اول توزیع عادلانه درآمد، و در کشور سوم، اولویت اول بازارسازی است. منظور از راهبرد دوم، یعنی، توانمندسازی دولت، عبارت است از: اصلاح نظام قضایی، تمرکززدایی، مبارزه با فساد، شفاف سازی نظام بودجه ای، شایسته سالاری، و پیوستن به نظامات بین المللی (همان) به صورت کلی، نهادهای بین المللی از جمله بانک جهانی با توجه به تجربه ای که از کشورهای گوناگون به دست آورده بود، از سیاست رویکرد دوم، یعنی دولت کوچک به رویکرد سوم، یعنی حکمرانی خوب در مورد توسعه اقتصادی روی آورد.

خلاصه آنکه علت اصلی پیدایش حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی بوده است. در باره توسعه، سه رهیافت، دولت بزرگ، دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب وجود داشته است. با توجه به اینکه از نظر کارشناسان نهادهای بین المللی، دو رهیافت اول دارای ضعف های بوده و کارایی لازم خود را از دست داده است، آنان رهیافت حکمرانی خوب را به عنوان بهترین عامل توسعه پذیرفته و آن را به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد نموده اند.

نقد و ارزیابی مبانی نظری الگوی حکمرانی خوب

همان گونه که در مبانی نظری الگوی حکمرانی خوب ملاحظه شد، هدف اصلی در این الگو، توسعه، به ویژه توسعه اقتصادی و مادی است؛ یعنی از نظر نهادهای بین المللی و نظریه پردازان، در حکمرانی خوب، مهم این است که دولت از نظر مادی توسعه پیدا کند. از نظر آنان، الگوی مزبور می تواند ابزار خوبی برای این توسعه باشد.

اما این الگو به عنوان ابزار توسعه، چند مشکل اساسی دارد: اولاً، حکمرانی خوب از نظر هستی شناسی، معتقد به اصالت فرد در مقابل اصالت جامعه است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد. ثانیاً، از نظر انسان شناسی، معتقد به اومانیسم است و همه چیز را در محور انسان - نه خدا - ارزیابی می کند. ثالثاً، از نظر معرفت شناسی معتقد به اصالت حواس است؛ یعنی آنچه از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد قابل شناخت است. بنابراین، به دیگر عوامل معرفت توجه ندارد. رابعاً، از نظر روش شناسی، روش را منحصر به روش تجربی می داند و روش وحیانی را، که به تجربه در نمی آید، انکار می کند بدین روی حکمرانی خوب اولاً، به بعد معنوی انسان توجه ندارد. حتی حاضر است در صورت نیاز، اخلاقیات و معنویات را فدای توسعه مادی کند. ثانیاً، این الگو تنها به بعد جسمانی انسان بسنده نموده، به بعد روحانی و متعالی انسان توجه ندارد. به عبارت دیگر، این الگو تنها می تواند یک جامعه توسعه یافته کاملاً مادی به ارمغان آورد. ثالثاً، حکمرانی خوب مبتنی بر لیبرالیسم و اومانیسم است. در لیبرالیسم، آنچه مطرح نیست، مبدأ (خداوند) و معاد و وحی است، یعنی در تفکر لیبرالیستی، اعتقاد به خدا موضوعیتی ندارد (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۸۷). بدین روی، آیت الله مصباح می فرماید:

تفکر حاکم بر غرب در حال حاضر، تفکری الحادی - لیبرالی، یعنی منهای دین است. در چنین نگرشی، جامعه، سیاست، انسان و تمام ارزش هایی که برای وی مطرح می شود، از خود انسان نشئت گرفته است و آفریننده ارزش ها خود انسان است (اومانیسم). بنابراین، در این نگرش، جایی برای خدا و آخرت منظور نشده است (مصباح، ۱۳۸۲: ۸۷).

با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی خوب به عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب، وارد شده، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای می فرماید: الگوی غرب برای توسعه یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته اند (ناظمی

اردکانی، ۱۳۸۷: ۷۶). ایشان به سبب رویکرد مادی توسعه در الگوی غربی، آن را برای کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای اسلامی، مناسب ندانسته، می فرماید:

به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی، ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلامی و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت است. در دیدگاه غرب، پیشرفت مادی و محور آن سود مادی است. بنابراین، در چنین دیدگاهی، اخلاق و معنویت می تواند قربانی پیشرفت مادی شود (همان). برخلاف حکمرانی خوب، حکمرانی شایسته (حکومت علوی) همیشه ارزش های معنوی را بر مصالح مادی مقدم می دارد. امام علی علیه السلام در یک سخنرانی در باب امامت و خلافت، فرمودند: اگر پایه های دین را استوار نگه دارید هیچ خسارت دنیوی به شما آسیبی نمی رساند؛ ولی هر چه را که از دنیا به دست آورید در صورتیکه دینتان را از دست داده باشید، برایتان سودی ندارد. (نهج البلاغه، خ ۱۷۳) ایشان به فرمان داران و عمال حکومت خود می فرمودند: مبدا برای اصلاح دنیای خویش، دین خود را به نابودی کشانده، آخرتتان را تباه سازید (همان، ح ۱۰۶).

بر این اساس، هر سیاستی که به آبادانی و بهبود معیشت دنیوی بینجامد ولی به ارزش های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه آن حضرت مردود است. البته چنانچه این جدایی صورت گیرد و مسائل معنوی قربانی مادیت شود، باز هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتی دنیاطلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید؛ زیرا حذف گرایش های معنوی، خسارت های دنیوی فراوانی بر جای می گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران های جدید مواجه می کند (سروش محلاتی، ۱۳۸۰، ص ۴۸-۵۶). مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکومت اسلامی (حکمرانی شایسته) بر حکمرانی خوب می فرماید: اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می داند. ایشان می فرماید:

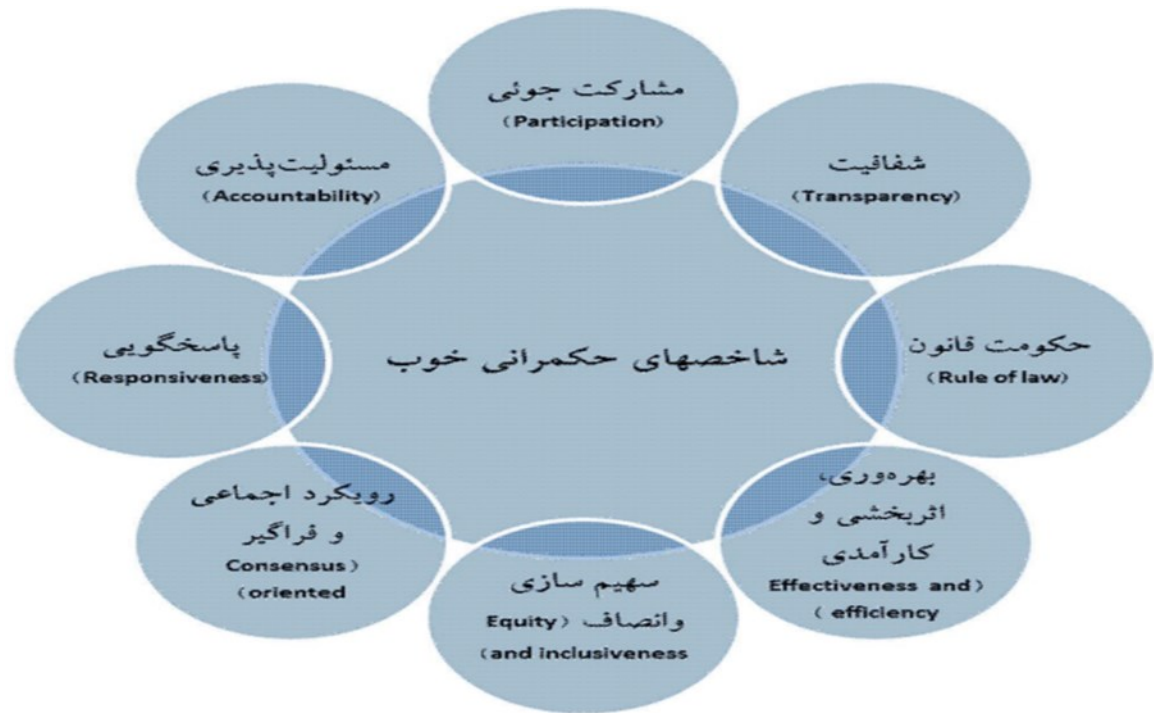
در دیدگاه اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است. در جهان بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷). ایشان بر این باور است که:

اختیار انسان برای پیمودن مسیر خود پرستی تا خداپرستی، به منظور رسیدن به رستگاری در دیدگاه اسلام، و مأموم بودن دل بستگی به دنیا در این مسیر، یک اصل است. در عین حال، اسلام از زاویه اجتماعی، وظیفه انسان را مدیریت دنیا و استفاده از استعدادهای فراوان طبیعی برای آبادانی دنیا می داند. الگوی پیشرفت مبتنی بر معنویت، مدل مطلوب توسعه است (همان).

شاخص های حکمرانی خوب

شاخص عبارت است از سازوکار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده. (شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۲) نهادهای بین المللی و کارشناسان آنها برای حکمرانی خوب شاخص هایی ذکر نمودند تا از این طریق، کشورهای جهان را ارزیابی کنند که آیا حکم رانان کشورهای در حال توسعه، امور جامعه شان را بر اساس این الگو اداره می کنند یا خیر؟ اگر کشوری مطابق این شاخص ها عمل کند مطابق این الگو موفق بوده و در نتیجه، از کمک ها و حمایت ها جهانی و نهادهای بین المللی مانند بانک جهانی، برنامه توسعه ملل متحد و صندوق بین المللی پول برخوردار می شود. اما اگر مطابق این شاخص ها عمل نکند از این حمایت ها و کمک ها محروم خواهد شد. شاخص های بسیاری به وسیله نهادهای و صاحب نظران جهانی بیان شده که در اینجا، تنها به بیان شاخص هایی که توسط بانک جهانی، تعیین شده، بسنده می شود.

بانک جهانی برای آنکه مشخص کند در کدام کشور حکمرانی ملاک عمل قرار می گیرد و کدام کشور از آن استفاده نمی کند برخی شاخص ها را ذکر نموده است. بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ توسط کافمن، کری و ماسترازی انتشار داد، حکمرانی خوب دارای شش شاخص است: پاسخ گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، و کنترل فساد (آرنت و عمان، ۲۰۰۸: ۱۱). بر اساس اعلام بانک جهانی، هر قدر کشوری به این شاخص ها نزدیک تر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده، رشد بخش خصوصی مؤثرتری خواهد داشت. همچنین میزان مرگ و میر در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی افزایش می یابد (پورآقایی، ۱۳۸۳). بعکس، هر قدر کشوری با این شاخص فاصله داشته باشد به همان اندازه رشد اقتصادی کاهش خواهد داشت. با توجه به دیدگاه های مزبور در زمینه شاخص هایی که بانک جهانی ذکر کرده است و اهمیتی که این شاخص ها دارد، در ادامه، هریک از این شاخص ها از نظر بانک جهانی بررسی می شود.



الف. پاسخ گویی و حق اظهارنظر

منظور از این شاخص آن است که آیا در جامعه حق اظهارنظر، یعنی آزادی بیان از ناحیه شهروندان، احزاب سیاسی، تشکل ها، انجمن ها، ادیان و مذاهب، رسانه های جمعی، اقوام و نژادها وجود دارد؟ آیا شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی به صورت آزادانه مشارکت دارند؟ آیا تمام گروه های دخیل در تصمیم گیری های دولتی، نسبت به عملکردشان در برابر مردم پاسخگو هستند؟ آیا افراد و بانگاه های اقتصادی از تصمیمات دولتی، که آنها را تحت تأثیر قرار می دهد، به موقع و به طور کامل آگاه می شوند؟ به هر اندازه که آزادی بیان توسط رسانه ها و نشریات و افراد، مشارکت شهروندان در انتخاب دولت، اطلاع یافتن از تصمیمات تأثیرگذار و آمادگی دولت مردان برای پاسخ گویی بیشتر باشد، به همان اندازه، وضعیت بهتری از حکمرانی خوب در کشور وجود خواهد داشت.

ب. ثبات سیاسی و نبود خشونت

یکی از شاخص هایی که رشد پایدار اقتصادی را امکان پذیر می کند، ثبات سیاسی و عدم خشونت، یعنی محیط پایدار و امن، است. به عبارت دیگر، ثبات سیاسی، ازجمله ملزومات رشد باثبات اقتصادی است و ریشه در اصل عدالت و برابری دارد؛ یعنی در صورتی ثبات سیاسی تحقق پیدا می کند که عدالت اجتماعی و برابری در جامعه حاکم باشد.

منظور از آن شاخص این است که در کشور، تضادهای فرهنگی و قومی کاهش یابد و اعتراض های سیاسی و ناآرامی های اجتماعی به حداقل برسد و برخوردهای اجتماعی از قبیل اعتراض، اعتصاب، ترور، خشونت های سیاسی و آشوب های خیابانی کاهش یابد، و تغییر در ترکیب قدرت سیاسی از طریق اقدامات مسالمت آمیز و منطبق بر قانون اساسی و نظام مردم سالاری - نه از طریق وراثت و کودتا - امکان پذیر باشد. بر اساس این شاخص، هر قدر احتمال نبود ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان دهنده حکمرانی ضعیف است و هر قدر کشوری از ثبات بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیازی بالاتری کسب می کند (نادری قمی، ۱۳۹۰). همان گونه که ملاحظه می شود، بر اساس این شاخص، رابطه میان ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برقرار است؛ یعنی هر قدر ثبات سیاسی برقرار باشد به همان اندازه، توسعه اقتصادی نیز برقرار خواهد شد.

ج. اثربخشی دولت

منظور از اثربخشی دولت، میزان استفاده از مهارت های فنی و کاری مدیران و میزان کارایی دیوان سالاری دولت است. به عبارت دیگر، منظور از این شاخص آن است که دولت در جمع آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، همچنین در اجرای نوآوری های سیاسی ملی، تدوین به موقع بودجه های سالانه، نظارت بر فعالیت های اقتصادی - اجتماعی، ایجاد زیرساخت های ملی و حل مشکلات اقتصادی داخلی توانا باشد. همچنین به میزان توانایی دیوان سالاری بر ارائه خدمات مدنی بدون تأثیرپذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابه جایی های صورت گرفته در ساخت قدرت سیاسی، نیز به اندازه توانمندی دولت در رویارویی با بلایایی طبیعی، مدیریت بدهی های خارجی و در تمرکززدایی از فعالیت های دولتی، به همان اندازه، توسعه اقتصادی و حکمرانی خوب تحقق یافته است. همچنین وجود رقابت در بین کارکنان دولتی، کیفیت مدارس عمومی، و کارایی نیروی پلیس از زیرمجموعه های شاخص اثربخشی دولت است. به عبارت دیگر، به هر اندازه میان کارکنان دولتی رقابت وجود داشته باشد و کیفیت مدارس عمومی بهتر بوده، کارایی پلیس بالاتر باشد، به همان اندازه، دولت اثربخش تر خواهد بود. خلاصه آنکه منظور از این شاخص، کیفیت خدمات عمومی و شهروندی و همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط مشی های عمومی و دولتی و میزان تعهدی است که دولت در برابر این سیاست ها دارد. هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط مشی های عمومی به دور از جنجال ها و خط و ربط های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است (نادری قمی، ۱۳۹۰: ۷۶).

د. کیفیت قوانین و مقررات

منظور از این شاخص توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست ها و قوانین و مقررات است. اصولاً کیفیت قوانین و مقررات مصوّب به عنوان پایه های اصلی نهادهای رسمی، نقش مهمی در موفقیت توسعه و اصلاحات اقتصادی و سیاسی دارد. هر قدر قوانین و مقررات موجود از کیفیت بهتری برخوردار باشد حکمرانی وضعیت بهتری پیدا خواهد کرد؛ مثلاً، بتوان قوانین مورد نیاز در عرصه تجاری را سازگار با قوانین کشورهای دیگر تدوین نمود و به آنها به طور ساده دست یافت و آنها را به صورت شفاف و یکسان تفسیر و پیشبینی نمود. همچنین بتوان قوانین و مقرراتی را درباره کار، مالیات، تجارت و بازرگانی تدوین نمود که با رشد فعالیت های اقتصادی سازگار باشد و از تحمیل هرگونه هزینه اضافی جلوگیری کند. به عبارت دیگر، هر قدر دولت بتواند با تدوین سیاست ها و نظام های گوناگون، موجبات توسعه فعالیت های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خوب خواهیم بود (همان).

ه. حاکمیت قانون

منظور از این شاخص کیفیت اجرای قراردادهای، عملکرد پلیس و محاکم قضایی است. اگر پس از انعقاد قراردادهای، پیمان ها و تعهدات، اعم از دولتی یا خصوصی، نتوان چندان به اجرای آنها امید داشت و همچنین اگر جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پی گیری نباشد، نشان دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است. به عبارت دیگر، منظور از حاکمیت قانون در فرایند حکمرانی، این است که سیاست گذاران همانند شهروندان، در برابر قوانین یکسان تلقی شوند و نسبت به عملکرد خود، پاسخ گو باشند. بر اساس این شاخص، رعایت اصول عدالت، انصاف و استقلال در دستگاه قضایی و سرعت در اجرای مراحل قضایی تأثیر زیادی بر تثبیت حاکمیت قانون دارد (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۷). همچنین تأثیرگذاری دولت یا سایر افراد بر فرایند قضاوت و نحوه تصمیم گیری در امر حاکمیت قانون مهم تلقی شده است.

و. مهار فساد

یکی از شاخص حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی، مهار فساد اداری است. عوامل بسیاری بر این شاخص مؤثرند که برخی از آنها عبارتند از: میزان فساد در کشور، گسترش روابط خانوادگی، استفاده از قدرت به نفع دوستان،

گسترش دیوان سالاری که زمینه بروز فساد را فراهم می کند، میزان شیوع پرداخت غیرقانونی در بین افراد و شرکت های دولتی برای پیشبرد کارها، پرداخت هایی که برای اثرگذاری بر فرایند قانون گذاری انجام می شود، بی اعتمادی عمومی به درست کاری مالی سیاست مداران، پرداخت های که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی همچون فرار مالیاتی صوت می گیرد، استفاده سیاست مداران از بودجه عمومی، و در نهایت، پرداخت های غیرقانونی که توسط افراد بانفوذ و همچنین انحصارات در جهت زیان سایر بنگاه ها صورت می گیرد. اینها عوامل مهمی هستند که وضعیت شاخص کنترل فساد را تعیین می کنند. به عبارت دیگر، وجود این عوامل نشان دهنده حکمرانی ضعیف و فقدان آنها بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است.

خلاصه آنکه از نظر بانک جهانی، به هر اندازه حاکمیت قانون، پاسخ گویی، و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر، و فساد، مقررات اضافی، بی ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه اقتصادی مناسب تر است. همان گونه که ذکر شد، شاخص های بانک جهانی چکیده تحقیقات پیمایشی شرکت های بزرگ جهان و دیدگاه بیش از سی متخصص در سطح جهان است و از سال ۱۹۹۶ تا به امروز، در میان بیش از دویست کشور جهان اعتبار دارد (آرنت و عمان، ۲۰۰۸: ۱۱).

حکمرانی شایسته در حکومت حضرت ولی عصر

حکمرانی شایسته عبارت است از: فرایند تصمیم گیری توسط خداوند یا انبیا، اولیا، و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به منظور نیل افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت و رستگاری اخروی. حکمرانی شایسته از بعد هستی شناسی، هستی حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات را تجلیات او و نشئت گرفته از او می داند. از بعد معرفتی، معرفت را منحصر به حواس ظاهری نمی داند، بلکه معرفت های عقلانی و وحیانی را نیز از منابع معرفت می داند. از بعد انسان شناسی، انسان را دارای دو بعدی مادی و معنوی می داند و به همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قایل است برای بعد معنوی نیز اهمیت قایل می شود. از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی داند، بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می کند. نگاه های متفاوت به هستی، انسان، معرفت و روش، موجب شکل گیری حکومت و حکمرانی های متفاوت خواهد شد. به عبارت دیگر، در حکمرانی شایسته هر چند دنیا و زندگی در آن اهمیت بسیاری دارد، اما زندگی در آن هدف نیست، بلکه زندگی بستری است که انسان با استفاده از آن می تواند به

سعادت اخروی دست یابد. بنابراین، حکمرانی شایسته مبتنی بر جهان بینی الهی است؛ یعنی مبدأ و معاد. حکومت با توجه به این تفکر، اعمال قدرت می نماید؛ یعنی حکم رانان باید دستورات را از مبدأ هستی بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند. به بیان دیگر، آنان باید از زندگی دنیوی به عنوان یک وسیله برای رسیدن به کمال اخروی استفاده کنند. با توجه به مبانی نظری، گاهی حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب در برخی شاخص ها - مثلاً، پاسخ گویی - اشتراک دارد، ولی این شاخص ها از نظر محتوا متفاوت است؛ زیرا مبانی نظری آنها تفاوت دارند. (قلیپور، ۱۳۸۳: ۲۲)

شاخص های حکمرانی شایسته در حکومت حضرت ولی عصر

برای حکومت شایسته حضرت ولی عصر شاخص هایی ذکر شده است منظور از حکمرانی شایسته آن نوع حکمرانی است که این محتوا و مشخصه ها را داشته باشد که به طور طبیعی متفاوت از شاخص های حکمرانی خوب از نظر محتوا خواهد بود. درواقع، وجه فارق میان حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته، این شاخص هاست. این دو نوع حکمرانی با این نوع شاخص ها، که تفاوت های محتوایی - نه لفظی - دارند، تمایز پیدا می کنند. در اسلام، دو حکومت یا حکمرانی شایسته در دو دوره زمانی عینیت خارجی پیدا نموده است: یکی در دوره پیغمبر اکرم صل الله علیه و آله و دیگری در دوره امیرالمؤمنین علیه السلام است. امام خمینی ره می فرماید: حکومت رسول الله و حکومت امیرالمؤمنین حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است. آنها به حکم قانون واجب الطاعه هستند. پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می کند (موسوی خمینی، صحیفه، ج ۷: ۲۰۱). در این نوشتار، از باب اختصار، تنها به برخی از شاخص های حکومت علوی بسنده می شود.

امام خمینی ره می فرماید: برنامه حکومت را حضرت امیر علیه السلام معین کرده است که باید چه جور حکومت باشد. باید عدلیه اش چه جور باشد، و قضاوتش چه وضعی داشته باشد (همان).

مقام معظم رهبری می فرماید: امروز من و شما باید اسلام را بفهمیم... یکی از شعبه ها و شاخه هایی که ما از آن طریق اسلام را می فهمیم و درک می کنیم شناخت چهره رهبران الهی از جمله امیرالمؤمنین است، ... و اسلام را از روی علی علیه السلام بشناسیم (حق پناه، ۲۶)؛ یعنی از طریق شناخت شاخص های حکومت علوی، شاخص های حکومت اسلامی را بشناسیم.

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرماید: اگر بخواهیم یک چهره روشن مشخص را، که دارای همه ویژگی های حاکم اسلامی است، معرفی کنیم با توجه به وضعیت زمان و تاریخ زندگی علی علیه السلام، باید چهره امیرالمؤمنین را معرفی کنیم (همان)، علی بن ابی طالب علیه السلام تجسم حاکم الهی و اسلامی است (همان). حکومت امام مهدی (عج) با تمام حکومت های موجود در عالم متفاوت است طبق آنچه از روایات به دست ما رسیده است حکومت حضرت مهدی (عج) دارای ویژگی های خاص ذیل می باشد:

۱. در رأس این حکومت حاکمی معصوم و مقتدر حکمرانی می کند که در کارهایش هیچ خطا و اشتباهی صورت نمی گیرد و عدالت را به نحو کامل پیاده می کند امام موسی کاظم - علیه السلام - می فرماید: «آن حضرت عدالت را در حق خلق رعایت می کند

۲. وسعت رزق و روزی

در زمان آن حضرت به جهت اینکه خرد انسان در اوج خود باشد محوریت عقل سبب کاسته شدن مطامع است و این باعث می شود که حرص و طمع برداشته شود و مردم نیازمند و محتاج نباشند چنانچه از معصوم روایت شده که: «اموال دنیا (جمع آن، آنچه درون آن و بیرون آن می باشد) به سوی آن حضرت جمع می شوند».

در روایت دیگری آمده که: «در زمان آن حضرت کسی پیدا نمی شود که مستحق صدقه باشد چون بی نیاز است و جمیع مؤمنین بی نیاز هستند».

۳. قضاوت عادلانه

مهمترین مشکل جوامع امروزی مشکلات قضایی و پرحجم ترین پرونده های اجتماعی مربوط به قوه قضائیه است و شلوغ ترین نهادها نیز دستگاه قضاست؛ این آسیبها اقتضا می کند که مردم چشم به راه قضاوت درست و عدالت باشند؛ لذا یکی از ویژگی های حکومت مهدوی وجود دستگاه قضائی مقتدر در حکومت اسلامی آن حضرت می باشد که مجرمان را به سرعت به مجازات می رساند و باعث کم شدن گناه و فساد می شود و روایت است که: «در زمان حکومت حضرت، زنا، شرب خمر، ربا و... از بین می رود...».

۴. تعالی خرد و عقلانیت مردم

در این زمان یکی از نشانه‌های بلوغ عقلی جامعه رشد دینگرایی است به نحوی که مردم احکام اسلام را یاد گرفته و به آن عمل می‌کنند در روایت آمده که: «در زمان حکومت حضرت (عج) مردم به سوی عبادت و دیانت و شرع و نماز جماعت روی می‌آورند و... (متفکر، ۱۳۹۸)

با عنایت به چنین شاخصه‌هایی برای حکومت امام مهدی (عج) می‌توان اذعان نمود اگر چه زمینه‌های گناه و فساد در این عصر بسیار محدود می‌شود اما نمی‌توان گفت گناه و فساد و تباهی ریشه کن می‌شود و هیچ کس اقدام به این کار نمی‌کند، زیرا این مسئله با اختیار و تکلیف انسان در هر عصری منافات دارد اما با این وجود نصایح کریمانه امام مهدی (عج) همواره راه را برای گناهکاران و فاسدان می‌بندد و کارگزاران ایشان نیز همواره از پارسایان و شایستگان به شمار می‌آیند بنابراین چنانچه گناه یا تخلفی صورت پذیرد حضرت با شایستگی با آن‌ها برخورد نموده و چنانچه شایستگی نصیحت شدن را داشته باشند، حضرت آن‌ها را نصیحت می‌کند و اگر مستحق حد یا تعزیر یا هر جریمه دیگری باشد، حضرت با آن‌ها برخوردی قاطعانه و سازش‌ناپذیر خواهند داشت. (میری، ۱۳۸۳، ص ۲۲)

از روایات فراوانی می‌توان استفاده کرد که برخورد حضرت با منافقان و کفار و فسادگران قاطعانه می‌باشد و بدون هیچ تساهل و تسامحی ریشه فسادگران را بر می‌کند و حق را به صاحبان حق برمی‌گرداند و عدالت را پیاده می‌کند. در روایات آمده که:

۱. «اشرار را هلاک می‌کند و نیکان باقی می‌مانند و کسی که بغض به اهل بیت داشته باشد باقی نمی‌ماند

۲. «حدود خداوند بر خلق جاری می‌شود و خداوند حق را به اهلش بر می‌گرداند

۳. «حضرت داخل کوفه می‌شود و تمام منافقین را به قتل می‌رساند...

۴. «حضرت امر به عدالت می‌کند و آن را پیاده می‌کند و نهی از منکر می‌کند و از آن دوری می‌کند...

۵. «هنگام قیام قائم ما (عج): به عدالت حکم می‌کند و جور رفع می‌شود و راهها امن می‌شود...

و بسیاری از روایات دیگر که دال بر این مطلب است که حضرت هیچ ظلمی و فسادى را پایدار نمى گذارد و چنانچه در روایت آمده «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْراً

به طور خلاصه مى توان گفت اصول حاکم بر ساختار نظام سیاسى و چارچوب کلی حکومت مهدوى براساس نصوص روایى عبارتند از:

۱- ضرورت الهى بودن حکومت.

۲- اسلامى بودن قوانین.

۳- ضرورت مشروعیت الهى مجریان یعنی مجریان قانون باید افراد صالح و لایق باشند.

۴- توجه به جایگاه مهم مردم به عنوان مبدأ شکل گیرى و کارآمدی همه نهادهای حکومتی.

۵- نظارت دقیق بر عمال حکومت به خاطر خطاپذیری آنان.

ب) تشکیل حکومت در هر جامعه عقلاً مستلزم وجود ساختارها و نهادهائی جهت اداره هر چه کارآمدتر است منتهى ساختارها به مقتضای گستردگی و عدم گستردگی جامعه و نیز مقتضیات زمان و مکان فرق مى کند.

پیامبر اسلام(ص) به مقتضای شرائط زمان و مکان اقداماتی را برای حاکمیت اسلامى به عمل آوردند که عبارتند از:

۱- تشکیل کادر سیاسى و شورای ادارى مدینه که این کار بعد از پایان پیمان دوم صورت گرفت و حضرت یک گروه ۱۲ نفری از نمایندگان خود را در رأس قبایل به عنوان نخباء انتخاب کرد و هر یک را برای اداره امور قبیله خود قرار داد و هر یک از این نمایندگان سه نائب رئیس داشت و پیامبر(ص) برای اداره کل نمایندگان رئیسی تعیین نمودند بدین ترتیب مجموعه شورای سیاسى مدینه از ۴۹ نفر تشکیل مى یافت که به امور اقتصادى، اجتماعى و... رسیدگی مى کردند و شخص پیامبر(ص) در رأس قدرت قرار داشت و تمامی مسائل در نهایت با تصمیم گیرى شخص ایشان حل مى شد.

۲- سیاست پیامبر در اداره امور جامعه بر اساس مشورت مى چرخید و خدا او را مأمور به مشورت نموده بود.

۳- تنظیم ساختار قضائى و تعیین قضات و اعزام آنها به شهرهای مختلف.

۵- نصب فرمانداران و صدور و ابلاغ بخش نامه های حکومتی.

۶- تنظیم و اجرای عهد نامه‌ها و معاهدات بین گروه‌های مختلف در مدینه و برقراری مؤاخات بین مسلمانان.

۷- بر اندازی قدرت جمعی مشرکان و اعلان براءت از آنان. این‌ها نمونه ای از سیره پیامبر خاتم(ص) راجع به برقراری حکومت اسلامی است و از روایات بسیاری استفاده می‌شود که روش حکومت امام زمان همان روش پیامبر اسلام می‌باشد و ایشان برای پیاده کردن دستورات اسلام قرآن را که قانون اساسی حکومتش می‌باشد محور قرار داده و می‌خواهد آرمانی ترین نظام عادلانه را در جهان ایجاد کند نظامی که قانون آن قرآن و مجریان آن ۳۱۳ نفر به تعداد مجاهدین جنگ بدر و بودجه آن همان ثروت‌ها و برکاتی است که از آسمان به موقع می‌بارد و زمین خزائن خود را بیرون می‌دهد. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۲۵)

همان گونه که ذکر شد اصحاب خاص حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ۳۱۳ نفرند لکن در عین حالی که همه آن‌ها از اولیاء الله هستند دارای یک مقام نیستند بلکه یک نفر از آن‌ها (حضرت مسیح روح الله) سمت وزیری حضرت را دارد و ۱۲ نفر دیگر که به آن‌ها نقباء گفته می‌شود در مرکز حکومت خدمت حضرت هستند و طبعی است که بر اساس دستور قرآن خیلی از امور را حضرت با مشورت انجام می‌دهد که در این جا نمونه ای از مشورت حضرت را با یارانش می‌آوریم:

یکی از یاران حضرت، سفیانی را دستگیر می‌کند و هنگام نماز عشا او را به نزد حضرت صاحب الامر می‌آورد امام (ع) با اصحاب خاص خود مشورت می‌کند و آنان به قتل او رأی می‌دهند و او را می‌کشند. و از اینجا معلوم می‌شود که در حکومت حضرت به مسأله مشورت اهمیت داده می‌شود.

دسته دیگری از اصحاب به «گواهان و ناظران اعمال» خوانده می‌شوند و مأموریت آن‌ها نظارت بر عملکرد عمال حکومت امام زمان و دیگر انسانهاست و بدین وسیله و نیز با استفاده از وسائل و ابزار پیشرفته زندگی در عصر حکومت امام زمان، به گونه ای که عالم مانند کف دست دیده می‌شود، از تجاوز و انحرافات جلوگیری می‌شود و این ابزار پیشرفته در خدمت انسان، تقویت ایمان و تربیت بشریت قرار می‌گیرد. دسته دیگر از اصحاب امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سمت فرماندهی ارتش، قضاوت، امامت و حکومت بر شهرها را بر عهده دارند

ما اعتقاد نداریم که حضرت همه کارهای حکومت خویش را با معجزه انجام دهد بلکه با گماردن عمالی توانمند، مذهب و لایق، کارهایش را به پیش می‌برد. عمالی که امام صادق (ع) در توصیف آنان می‌فرماید: «نشان سجده بر پیشانی آن‌ها

نقش بسته است آن‌ها شیران روز و زاهدان شب اند...» چنین کارگزاران و مهره‌های لایق را جذب می‌کند و آن‌ها را به شهرها می‌فرستد و به آن‌ها دستور می‌دهد که به عدل و احسان عمل نموده و شهرها را آباد کنند.

با چنین یارانی دستگاه قضائی بیدار و آگاهی را بوجود می‌آورد که نسبت به مجرمان مراقبت شدید و دقیق دارند و مجرمان نمی‌توانند از چنگک شان فرار کنند و از عدالت سرباز زنند در چنین عصری برخی از روایات راجع به خود حضرت می‌گویند ایشان هم طبق قانون دادرسی محمد(ص) داوری می‌کند یعنی هم به موازین ظاهری دادرسی می‌شود که آن‌ها عبارتند از اقرار، گواهی گواهان و امثال آن و هم از طرق روانی و علمی برای کشف مجرمان و جنایتکاران استفاده می‌کند، همان امری که از روایات در مورد داود (ع) نقل شده است، که ایشان بر حسب باطن، قضاوت می‌کرده است و شاهد و گواه نمی‌خواسته است. بنابر این حضرت برای تحقق بخشیدن به اهداف انبیاء و اجرای عدالت جهانی هم از توانمندترین نیروها استفاده می‌کند و هم خود حضرت بر عمال و کارگزاران خویش مراقبت شدید دارد. آری مطابق برخی روایات یکی از علامات و روش‌های حضرت دقت حسابرسی نسبت به کارگزاران حکومتش است. روش آن حضرت نسبت به مستکبران و کافران لجوج که قابل هدایت نیستند کشتن و نابود کردن است زیرا بعد از آمدن و رفتن ۱۲۴ هزار پیامبر و اوصیای هر یک، دیگر حجت بر اولین و آخرین نسل بشر تمام شده و دیگر آن روزگار که اولیاء و انبیاء از دم تیغ دشمنان شان بگذرد گذشته است و روزگار موعظه به پایان رسیده است.

شکوفایی علم و دانایی

عصر ظهور، زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی است، و مدینه فاضله اسلامی، شهر علم و دانش است، با آمدن منجی عالم، همان گونه که ظلم و بیداد جای خود را به عدل و دادگری می‌سپارد، و نابسامانی‌های اجتماعی به سامان می‌گراید؛ جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می‌دهد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می‌شود، علوم و دانش‌هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده‌ها مکنون مانده بود، ابراز می‌گردد و مرز دانایی و یادگیری تا سراپرده منازل و اعماق وجود تک تک انسان‌ها، گسترش می‌یابد.

امام صادق (ع) در این باره فرموده است که علم و دانش ۲۷ حرف است و ۲۷ شعبه و شاخه دارد. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد.

این حدیث به روشنی، جهش فوق العاده علمی عصر انقلاب مهدی (عج) را مشخص می‌سازد؛ یعنی، تحول و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمامی علوم و دانش‌هایی که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شده است، پیش می‌آید و درهای تمامی رشته‌ها و شاخه‌های علوم مفید و سازنده، به روی انسان‌ها گشوده می‌شود و راهی را که بشر طی هزاران سال پیموده، به میزان بیش از دوازده برابر آن در اندک زمانی پیموده می‌شود. بدین ترتیب، در پرتو ارشاد و هدایت حضرت مهدی (عج) و در زیر دست عنایت او، مغزها در مسیر کمال به حرکت در می‌آید و اندیشه‌ها شکوفا می‌شوند. کوته بینی‌ها، تنگ‌نظری‌ها و افکار پست و پلید - که سرچشمه بسیاری از تضادها و برخوردهای خشونت‌آمیز اجتماعی است -، برطرف می‌گردد و مردمی بلند نظر، با افکاری باز و سینه‌هایی گشاده و همتی والا و بینشی وسیع، پرورش می‌یابند، لذا هر ۲۷ حرف علم پیاده می‌شود. (مصباح، ۱۳۸۷: ۲۹)

عدل شاخص ترین شاخص حکومت حضرت مهدی (عج)

در اسلام، مساله عدل، از روز نخست در تمام زمینه‌ها مورد توجه و عنایت بوده است؛ از بعد عقیدتی و دینی گرفته تا بعد فقهی و اجتماعی، از قرآن و سنت بر می‌آید که عدل و مظاهر آن، پسندیده و موجب خشنودی حضرت حق است؛ اما قدر و منزلت آن، به علت گستردگی و اقامه آن در سطح وسیع اجتماعی است؛ یعنی، مردم آن قدر به رشد معنوی و کمال روحی نایل گردند که تمام افراد یا حداقل اکثر آنان، خواهان عدل باشند و خود عملاً آن را به اجرا گذارند. پیامبران الهی، در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدل در جهان و در بین همه انسان‌ها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند؛ نه آن که به زور و قدرت حاکم به عدالت تن دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط».

از این آیه استفاده می‌شود که پیامبران می‌خواستند، مردم را طوری تربیت کنند تا خود، قیام به قسط نمایند و عدل را بر پا دارند؛ لذا فرمود: «ليقوم الناس بالقسط» و فرمود: «ليقيموا الناس بالقسط» تا معنایش این باشد که پیامبران به عنوان حاکم عادل، مانند سایر زمامداران عادل، مردم را با نیروی نظامی و انتظامی و قدرت‌های اجرایی، به رعایت عدل وادارند؛ زیرا فرق است بین این که حاکمی خود عادل باشد و بخواهد در حکومت او عدل اجرا شود و به کسی ستم نگردد و بین آن که مردم در جامعه، از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی برسند که خود اقامه عدل نمایند و بفهمند که عدل برتر از ظلم است و در آنان کششی نسبت به ظلم نباشد. (محمدی، ۱۳۸۴: ۲۷) بنابراین کلمه عدل، واژه غریبی

نیست؛ اما حقیقتی قریب هم نیست. بشر در طول تاریخ زندگی خود، همواره منتظر بوده که روزی، این خواب تعبیر شود و عدل در جوامع بشری حاکم گردد. انسان‌های بسیاری نیز با اندیشه عدل و عدالت‌خواهی، به فکر تعبیر این رؤیای شیرین بشری بر آمده و تلاش بسیار کرده‌اند؛ اما تلاش آنان در بیشتر موارد کم‌ثمر یا بی‌ثمر مانده و عدالت در معنای حقیقی آن، همچنان در عالم رؤیا باقی مانده است. وه چقدر سخت است تعبیر نشدن این رؤیای شیرین و دلپذیر! رؤیایی که تمامی اجزای وجود انسان، در طول تاریخ، با آن عجین بوده و نگاه پر انتظار او، در تعبیر آن خسته و کم‌سو گشته است.

با همه این احوال، هیچ‌گاه آرزوی تعبیر شدن این رؤیا، در اعماق دل و جان انسان‌ها به یاس و ناامیدی تبدیل نشده است؛ اما هر چه بر شماره اوراق تاریخ افزون می‌گردد، از شماره انتظار ما کاسته می‌شود و این همان چراغ امید است که قرن‌ها در دل انسان‌ها، به عشق آمدن آن منجی، روشن و فروزان است. به عشق او که نامش «عدل» است: «السلام علی العدل المشتھر» و «اللهم صل علی ولی امرک القائم المؤمل و العدل المنتظر».

یکی حکومت واحد جهانی که تنها او است که چنین حکومتی را ایجاد می‌کند و دیگری عدل جهانی که تنها در جامعه‌ای که او تشکیل می‌دهد و خود در راس آن قرار می‌گیرد، عدل با تمام ابعادش گسترده می‌شود، همان گونه که حکومت او جهانی است، عدل او نیز گسترده و جهانی است و در روایات، این شاخصه از سایر شاخصه‌های دیگر حکومت حضرت مهدی (عج)، بارزتر و بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

در حدیثی از پیامبر اسلام آمده است: مژده می‌دهم شما را به مهدی که او در امت من، به هنگام اختلاف و سختی‌ها بر انگیخته می‌شود. پس زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد؛ همان طوری که از جور و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند و...».

دامنه عدالت او تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه، گسترده می‌شود، عدالت همانند گرما و سرما در درون خانه‌های مردمان نفوذ می‌کند و مامن و مسکن وجود آنان را سامان می‌بخشد. باید در نظر داشت در حکومت آن حضرت هیچ ویژگی به اندازه «عدل و قسط»، برجستگی و روشنی ندارد و مردم آن حضرت را عمدتاً از عدل او می‌شناسند و الآن نیز آنچه در اولین لحظه از نام مبارک او در ذهن خطور می‌کند، عدل او است.

ستمی به احدی روا نمی شود، چنان که امام رضا علیه السلام می فرماید: خدا به وسیله وی زمین را از هر گونه ستمی پاک می گرداند و آن گاه که ظهور کند، قانون عادلانه امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: پس از ظهور مهدی (عج) هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی ماند، مگر آنکه آن حضرت امام صادق علیه السلام نیز گستره عدل مهدوی را در جمله ای بسیار زیبا این گونه بیان می کند: «به خدا از این دسته روایات ها برمی آید که در حکومت مهدی (عج)، عدالت فراگیر است و همه بهره های آسمان و زمین بدون تبعیض نصیب همگان خواهد شد، همان گونه که امام حسین علیه السلام در عمومی است، چنان که امام باقر علیه السلام فرموده است: وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت المال] را با مساوات تقسیم می کند و نسبت به شهروندان عدل اسلام در این باره روایت می کند: «وی زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. امام سجاد علیه السلام درباره یاوران و کارگزاران حضرت حجت می فرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند از دل های شیعیان ما دفع آفت کند و دل هایشان را چون امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده است: «آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می کند و میان همه امام صادق علیه السلام درباره عدالت قضایی در دولت مهدوی می فرماید: دنیا به پایان نخواهد رسید تا آنکه مردی از خاندان من ظهور کند. (عزیزی، ۱۳۹۵: ۲۷)

با ظهور مهدی (عج) عدالت و امنیت، فرجامی خوش می یابد. امام علی علیه السلام درباره عدالت گستری و ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از این برکت ها، می فرماید:

اگر به تحقیق قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید بیارد می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان دد و دام آشتی برقرار می شود، به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است. از این دسته روایات ها برمی آید که در حکومت مهدی (عج)، عدالت فراگیر است و همه بهره های آسمان و زمین بدون تبعیض نصیب همگان خواهد شد، همان گونه که امام حسین علیه السلام در فرازی مهم می فرماید: «هنگامی که قائم قیام می کند، عدل گسترده می شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را دربرمی گیرد.»

از دیگر نشانه های بی نظیر حکومت مهدوی، تقسیم درست و برابر بیت المال و اموال مشترک عمومی است، چنان که امام باقر علیه السلام فرموده است:

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت المال] را با مساوات تقسیم می کند و نسبت به شهروندان عدل می ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و سرکشی نسبت به او، همانند سرکشی و گناه نسبت به خداست. بدیهی است که عدالت گستری حضرت مهدی (عج) خود، زمینه ساز تقویت و پایداری مشروعیت حکومت ایشان خواهد بود و دل های بیشتر مردم را جذب خواهد کرد. پیامبر گرامی اسلام در این باره روایت می کند:

«وی زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم، ساکنان آسمان و هم، ساکنان زمین از او خوشدند» عدالت و امنیت، همواره از آرزوهای دیرینه ساکنان زمین و سرلوحه دعوت انبیا و اولیای الهی بوده است که سرانجام، امام عصر (عج) این نهضت را به اذن خداوند با خوشی به پایان خواهند برد و فرد آدمیان بدون هیچ گونه تبعیض و گزینشی، طعم شیرین عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید. آسمان ها و زمین نیز با پیشه کردن عدالت، همه نعمت های خود را در اختیار بشر قرار می دهند و ترس و ناامنی و بی عدالتی، جای خود را به آرامش و عدل خواهد داد. عدالت مهدوی حکم می کند که ملاک گزینش کارگزاران نیز شایستگی و کاردانی آنها باشد.

امنیت، یکی از شاخصه های حکومت مهدوی

یکی از ویژگی های حکومت حضرت مهدی (عج)، برقراری صلح و امنیت است، همان گونه که امام حسن مجتبی علیه السلام در حدیثی می فرماید: «در دوران سلطنت و دوران فرمان رویی او، درندگان با یکدیگر آشتی می کنند. «افزون بر روایت ها، در بسیاری از کتاب های آسمانی هم بر این امر تصریح شده است، برای مثال در کتاب اشعای نبی آمده است: مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد، برای مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد، گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله پرواری و شیر با هم و طفل کوچک، آنها را خواهد راند. در تمام کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.

نبی مکرم اسلام در بیانی کوتاه، امنیت و آرامش را این گونه نشان می دهد:

«زنی بر هودجی نشسته، از حجاز تا عراق در کمال آسایش طی طریق می کند و از چیزی نمی هراسد.»

و امام باقر علیه السلام در فرازی دیگر می فرماید: «حتی لا یُری أثرٌ مِنَ الظلم؛ تا جایی که دیگر نشانی از ظلم دیده نمی شود» امام صادق علیه السلام نیز گستره عدل مهدوی را در جمله ای بسیار زیبا این گونه بیان می کند: «به خدا

سوگند! عدالت او در داخل خانه هایشان به آنها می رسد، همان گونه که سرما و گرما به داخل خانه هایشان نفوذ می کند»

اینها اندکی از بسیار و قطره ای از دریای روایت های وارد شده از امامان نور است درباره گستره عدل تنها بازمانده حجج الهی و تنها ذخیره پروردگار برای نمایش عدل و داد بر فراز پهن دشت جهان. (میرسپاسی، ۱۳۹۵: ۳۵)

تربیت در عصر ظهور

بشر در چندین قرن اخیر، برای آسایش تن، هر چه فرمول اقتصادی و سیاسی و هر چه امکانات علمی و تکنیکی در اختیار داشته، به استخدام در آورده است تا شاید بتواند آسایش این جهانی انسان را بدو باز گرداند.

حال آن که او، پس از این همه تلاش، هیچ گونه آرامشی در خود نمی یابد، جهان را تنگ و تاریک و سرد می بیند و در آن احساس حقارت و پوچی می کند و این حالت به اعتقاد منتقدان درون این نظام (انسان محوری و انسان مداری)، جز به نابودی انسان نمی انجامد. در مدینه فاضله اسلامی، تنها سخن از آسایش تن و وفور ثروت و رفاه مادی نیست؛ بلکه در تصویر مهندسان این مدینه فاضله، انسان موجودی است دارای ابعاد مختلف که تکامل و رشد او در گرو رشد متوازن تمامی آن ابعاد است. مدینه فاضله و بهشت زمینی موعود، تحقق نمی یابد؛ مگر آن که بارقه ای از آسمان در آن حلول کند، تربیت و پرورش روح انسان ها و توجه به اخلاق و فضایل معنوی، که از اساسی ترین برنامه های ظهور است در همین راستا معنا می یابد. در آن محیط، انسان های صالح تربیت می یابند تا جامعه ای آرمانی و صالح بنا نهند. انسان ها علاوه بر دستیابی به غنای مالی، از غنای قلبی و روحی نیز بهره مند خواهند شد و در کنار اتمام نعمت و وفور ثروت، به اکمال اخلاق و فضیلت های انسانی نیز راه خواهند یافت، کینه های اخلاقی از قلب ها ریشه کن می گردد، دروغ، تزویر و نامردمی، در روابط اجتماعی، جای خود را به یک رویی و یک رنگی می بخشد، در واقع، در چنین بستری رفاه و عدالت و امنیت نیز معنا پیدا می کند و حقیقت خویش را باز می یابد، جز با این نگرش همه جانبه به انسان و در کنار هم چیدن اجزای حقیقی او نمی توان به تعبیر رؤیای همیشگی انسان در تاسیس مدینه فاضله انسانی دست یافت.

فقرزدایی در حکومت مهدوی

اسلام با پذیرش کامل «معیار نیاز» که مبتنی بر حق زندگی برای همگان است، تداوم فقر را تحمل نمی کند و با آن به شدت مبارزه می کند. یکی از نگرانی های بزرگ اولیای الهی، پیامبر گرامی اسلام و امیرمؤمنان علی علیه السلام، در تمامی لحظه های زندگی شان این بود که فقر و نابرابری را از چهره افراد جامعه بزایند و از راه کسب و کار آبرومندانه و به کارگیری سیاست های صحیح اقتصادی، درآمدی کافی و حلال برای مردم فراهم شود.

حکومت حق، شرایطی را ایجاد می کند که در آن، مردم کمترین امکانات اساسی زندگی را داشته باشند و برای همه کسانی که جویای کارند، امکان کار فراهم باشد و افرادی هم که درآمد کافی ندارند یا به هر علتی نمی توانند کار کنند، درآمدی به اندازه نیازشان دریافت کنند.

امام علی علیه السلام در دوران حکومت کوتاه خود، دست کم در کوفه جزئی ترین امکانات اساسی را برای عموم مردم تأمین کرد، چنان که خود می فرمود:

«کسی در کوفه نیست که در رفاه به سر نبرد، حتی پایین ترین افراد نان گندم می خورد، سرپناه دارد و از آب گوارا می نوشد.»

امام زمان (عج) نیز پس از امامان معصوم علیهم السلام در زدودن فقر می کوشد و نه تنها فقر را کاهش می دهد، بلکه به حذف کامل آن توفیق می یابد. از یک سو سرمایه های مادی فزونی می یابد و رشد اقتصادی پایدار پدید می آید و از دگر سو این امکانات، عادلانه توزیع می شود و فشار و ستم سودجویان زیاده خواه از بین می رود. سرانجام، مردم نیز سرشار از روحی الهی و آراسته به اخلاق و معرفت و تقوا می شوند، چنان که دامنه حرص و آز که سرچشمه گناهانی چون تکاثر و بخل و احتکار و تنازع است، برچیده می شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت است: «در زمان مهدی (عج) مال خرمن می شود، هر کس نزد مهدی آید و گوید به من مالی ده! مهدی بی درنگ بگوید بگیر.

و اینکه خود مردم هم نیازهای یکدیگر را با جان و دل برآورده می کنند. از امام باقر علیه السلام در این باره سخنی هست که: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، رفاقت و دوستی خالصانه (در میان مردم) رایج می شود. اگر مردی دست در جیب برادرش فرو برد و به اندازه نیازش بردارد، برادرش او را منع نمی کند.

پیگیری عزل و طرد کارگزاران ناصالح

منش رفتاری امیرالمؤمنین علی علیه السلام با کارگزاران خود، از نمونه های عالی تأکید عملی امامان معصوم بر لزوم عدالت گستری کارگزار است. برخوردهای آموزنده حضرت با برخی از کارگزاران خطا کار حتی در خطاهای کوچک، از نمونه های شایان ذکر در سیره ایشان است، برای مثال می توان به نامه توبیخ آمیز آن حضرت به عثمان بن حنیف، والی بصره به خاطر شرکت در مجلس میهمانی یکی از اشراف بصره اشاره کرد.

این گونه دقت و بررسی در عملکرد کارگزاران، از عدالت و سلامت فکری و عملی حکومت حکایت دارد.

درباره کارگزاران حکومت حضرت حجت علیه السلام پس از ظهور نیز اوصافی در برخی روایت ها آمده است که هم نشان از عدالت و تقوای کم نظیر آنان دارد و هم از صلاحیت و تلاش و استقامت آنان سخن می گوید.

امام سجاد علیه السلام درباره یاوران و کارگزاران حضرت حجت می فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند از دل های شیعیان ما دفع آفت کند و دل هایشان را چون پاره های آهن کند و قوت یک تن از آنان را همچون قوت چهل مرد سازد و آنان حاکمان الهی بر روی زمین باشند.

امام صادق علیه السلام نیز در توصیف آنان فرموده است:

همانا یکی از آنان، قوت چهل مرد دارد و قلبش از پاره های آهن محکم تر است. اگر بر کوه های آهن عبور کنند، آنها را (می توانند از جای کنند) و شمشیرها را رها نسازد، جز با رضای الهی.

عدالت گرایی در عزل و نصب کارگزاران مهدوی در عصر غیبت صغرا را، از بررسی نوع برخورد آن حضرت با برخی از مسئولان حکومتی که کجروی را پیشه کارهایشان ساختند، می توان دریافت. برای نمونه، این روایت کاملاً گویای این مطلب است:

ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی، معروف به ابن ابی العراقی به عنوان دستیار سومین سفیر ناحیه مقدسه - حسین بن روح نوبختی - مشغول فعالیت بود. ایشان به ویژه در دوره اختفا و استتار حسین بن روح، نقش اصلی را به عنوان جانشین وی ایفا می کرد و شیعیان به او مراجعه می کردند. ولی شلمغانی با وجود این سابقه مهم و نیز جایگاه علمی اش، راه انحراف در پیش گرفت و این امر نه تنها به عزل و طرد وی انجامید، بلکه سرانجام به صدور لعن او از سوی ناحیه مقدسه منجر شد. (یزدانی زنوز، ۱۳۸۸: ۳۳)

عدالت اقتصادی در حکومت مهدوی

اجرای عدالت اقتصادی به عوامل گوناگونی بستگی دارد که از مهم ترین آنها، عدالت در بخش تولید و توزیع است. از نشانه های این گونه عدالت در دولت مهدی (عج)، این است که امکانات تولید به طور یکسان در اختیار همگان است و هر فرد می تواند از نعمت ها و موقعیت های طبیعی برای تولید مفید بهره بگیرد.

بدین ترتیب، افراد بسیاری به حرفه سالم روی می آورند و هر کس به اندازه همت و توان خود فرصت رشد و پیشرفت می یابد. البته این همه به منظور رفع نیازهای واقعی جامعه است، یعنی تولید در مسیر خواست ها و نیازهای اجتماع. بنابراین، هم تولید کنندگان بهره مند می شوند و هم عموم جامعه به رشد و رفاه اقتصادی می رسند.

در عین حال، از عوامل مهم ظلم های اقتصادی، بی عدالتی در زمینه توزیع است. تقسیم ثروت ملی به صورت نابرابر و غیرمنطقی، شکاف طبقاتی گسترده ای را میان درآمدها ایجاد می کند. از این رو، تأثیر عدالت مهدوی بر عرصه اقتصادی، تقسیم اموال عمومی به شکل مساوی در میان مردم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: به مهدی بشارتتان می دهم، او در میان امت من برانگیخته می شود و ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود خواهند بود. او اموال را به درستی تقسیم می کند. مردی پرسید: مقصود چیست؟ فرمود: [بیت المال] به شکل مساوی میان مردم تقسیم می کند. امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده است: «آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می کند و میان همه مردم با نیکوکار و بدکار به عدالت رفتار می کند.»

از پی آمدهای عدالت اقتصادی در جامعه مهدوی، بهره مندی همه افراد جامعه از یک زندگی مادی مطلوب و آبرومندانه است، به گونه ای که افراد نیازی به درخواست مال از دیگران نداشته باشند. زندگی در این سطح از رفاه، همراه با رشد عقلانی و پاکی درون و ریشه کنی صفات رذیله ای چون حرص و طمع از دل و جان انسان ها، همان حیات طیب است که خداوند می خواهد. زندگی ای که در ساحت آن، رشد و تعالی معنوی مردم بهتر و سریع تر باشد. امام صادق علیه السلام درباره برخورداری مردم از این سطح زندگی می فرماید:

هنگام قیام قائم ما، زمین با نور خدایی روشن شود و شما به جست و جوی اشخاصی برمی آید که مال یا زکات بگیرند و کسی را نمی یابید که از شما بپذیرد و مردمان همه به فضل الهی بی نیاز گردند. (میلانی، ۱۳۹۵، ص ۵۰)

عدالت قضایی در حکومت مهدوی

در تمامی جوامع بشری، امر قضاوت جایگاهی ویژه دارد. شاهرگک حیات این دستگاه، اجرای عدالت در آن است. دادگستری نیز تنها برای گسترش عدل و داد تأسیس شده است.

در عصر حاکمیت مهدی (عج)، عدالت در همه زوایای زندگی اجتماعی جریان می یابد. این عدالت به دستگاه های قضایی هم نفوذ می کند و جریان دادرسی را بر اساس حق و عدل تنظیم خواهد کرد. از برخی روایت ها چنین برمی آید که امام مهدی (عج) در قضاوت، مانند جد بزرگوارش امیرالمؤمنین علی علیه السلام عمل می کند و برای گرفتن بی کم و کاست حقوق مردم اصرار دارد؛ حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان آن غاصب بیرون می کشد و به صاحب حق بازمی گرداند.

در زمان حکومت آن دادگستر جهان، چنان عدالت مهدوی همگانی می شود که مردگان آرزو می کنند که به زندگی بازگردند و از برکات عدالت او بهره مند شوند.

امام صادق علیه السلام درباره عدالت قضایی در دولت مهدوی می فرماید:

دنیا به پایان نخواهد رسید تا آنکه مردی از خاندان من ظهور کند. وی به شیوه داوود علیه السلام حکم خواهد کرد بین نخواهد خواست و به هر کس حقش را اعطا خواهد کرد.

ره آورد چنین داوری عادلانه این است که حتی اگر مظلومی نتواند برای اثبات حق خود به شاهد و گواهی دست یابد، به سبب این گونه قضاوت به حق خود خواهد رسید.

جریان یافتن عدالت در همه زوایای زندگی و دادرسی بر اساس حق و عدل در حکومت امام مهدی (عج). (شکری، ۱۳۹۳، ص ۳۸)

جهان در انتظار عدالت مهدوی

حضرت مهدی (عج) کارگزاران ناشایست قضایی را برکنار می کند و آنان را که سیرت پسندیده دارند، به کار می گمارد. شیوه مدیریتی ایشان در برکناری عمال اداری، همانند سیره امام علی علیه السلام است. در جامعه مهدوی هیچ گونه نیرنگ بازی وجود ندارد و سیره کارگزاران او بر مدار عدل و قوانین عادلانه خواهد بود.

امام مهدی (عج) پس از ظهورش خود، عادلانه حکم می کند و جامعه حکومتی خود را با فرهنگ عدالت پایه ریزی خواهد کرد. در این جامعه، عدالت، معیار و ملاک سنجش همه چیز است و همگان باید خود را با معیار عدالت مهدوی بسنجند و راه صحیح عدل و سعادت را انتخاب کنند تا ظلم و تبعیض به کلی از جامعه برچیده شود.

عدل موعود، در دعای امام رضا علیه السلام برای صاحب الامر، به گونه ای بسیار زیبا تصویر شده است:

خدایا با قیام او ظلم و ستم را نابود ساز و بمیران و عدالت را ظاهر ساز و بر فراز آور، با قیام او دین محض الهی را جلوه گر کن که از هر کژی و بدعتی برکنار و پاکیزه است. خدایا با نور عدالت او ظلمت های تو در توی ستمگران را برملا کن و آتش کفر با حلاوت عدالت او خاموش گردان.

به راستی که نام زیبای ابی‌الصالح، حلاوت بخش کام دل هاست و شمیم عدل را در رواق جان ها می افشاند. امروز نگاهمان را فرش راهشان ساخته ایم تا مگر آن عدالت گستر منتظر از راه برسد و قسط و عدل را تحفه جهانیان منتظر سازد و ما همچنان در انتظار طلوعی نشسته ایم که در آن، جهان را زیر پر و بال عدالت و رحمت خویش خواهد گرفت. ان شاء الله.

حکمرانی جهانی حضرت مهدی (عج)

آرمانشهر حضرت مهدی موعود (ع)، آرمانشهری جهانی است و همه زمین بر پهنه حکومت عدل و داد آن بزرگوار خواهد بود. دین اسلام در سراسر زمین احیا و جهان شمول خواهد گشت. دین و اخلاق در آرمانشهر حضرت مهدی موعود (ع) در تمامی اقوام و ملل یکسان خواهد بود و احکام اسلام قلمروئی به گستردگی جهان خواهد یافت

جهان شمولی آرمانشهر مهدی موعود (ع) و جهانی بودن حکومت آن حضرت سبب احیاء دوباره اسلام و جهان شمولی آن؛ یکسانی دین در تمامی زمین؛ یکسان بودن دستورها و برچیده شدن دستورات متناقض؛ رهبریت یگانه زمین؛ انطباق مردم با احکام و فرمانها و قوانین جهانی آرمانشهر دینی؛ و... خواهد گردید.

نتیجه گیری: حکمرانی متعالی شیوه اداره، و سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط دولت اسلامی است. حکمرانی اسلامی دارای سه مولفه اصلی «روابط حکومت و مردم»، «روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی»

و «نظام اداری و روابط اجزای حکومت» است. در هر یک از این مولفه ها، حکمرانی اسلامی دارای اهداف، اصول و شاخص هایی است که آن را به عنوان یک الگوی کامل و قابل اجرا تبیین می نماید.

- حکمرانی خوب که مبتنی بر ماده گرایی، دنیاگرایی و اومانیزم است. این نوع حکمرانی اساساً به بعد مادی امور جامعه را با محوریت انسان و با رویکرد این جهانی، توجه می کند. حکمرانی خوب عمدتاً از نظر شکلی، از عناصر و مؤلفه هایی مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تشکیل شده است. این مجموعه با هماهنگی یکدیگر، تصمیم می گیرند که قدرت در دست چه کسی باشد و چه گونه اعمال شود. حکمرانی خوب از نظر محتوا، دارای مشخصه های بسیاری است که مهم ترین آنها عبارت است از: پاسخ گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قانون، کارایی و اثربخشی، مبارزه با فساد، مشارکت، اجتماع محوری، شفافیت، انصاف و عدالت، مسئولیت پذیری و رقابت. حکومت از دیدگاه اسلام، یک شکل و یک محتوا دارد. در اسلام، شکل حکومت به صورت تفصیلی تعیین نشده، بلکه مطابق زمان و مکان، به خود مردم واگذار شده است. اما از نظر محتوا، دارای مشخصه هایی است که اگر آن شاخصه ها موجود باشد، حکومت شایسته است و اگر نباشد از حکمرانی شایسته خبری نیست. این شاخص ها نیز به صورت کلی به وسیله خداوند، و به صورت تفصیلی توسط انبیا و اولیا از جمله حضرت علی علیه السلام بیان گردیده است که برای همگان حجیت شرعی دارد. حکمرانی شایسته دوران حضرت ولی عصر علاوه بر شاخص های حکمرانی خوب دارای شاخص های بسیاری است از جمله:

۱. تقسیم عادلانه بیت المال در حکومت مهدوی. ۲. شایستگی و کاردانی کارگزاران، معیار انتخاب.

۳. برقراری کامل آرامش و امنیت در حکومت عدالت گستر امام مهدی (عج). ۴. تأمین رفاه عمومی.

۵. تأمین نیازهای یکدیگر و تعاطف دینی بین مسلمانان. ۶. عدالت پیشه و متقی بودن کارگزاران مهدوی.

۷. عدالت گرایی در عزل و نصب کارگزاران. ۸. پیشگیری از تقسیم ثروت ملی به صورت نابرابر.

۹. برخورداری مردم از یک زندگی مطلوب و آبرومندانه مادی. ۱۰. تشکیل جامعه عدالت محور به وسیله حضرت مهدی (عج). ۱۱. گسترش معرفت و علم همگانی

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که حکمرانی شایسته و حکمرانی خوب در برخی شاخص ها، از حیث لفظ مانند پاسخ گویی، کارایی و اثربخشی و امثال آن یکی باشند، اما مبانی فلسفی این دو نوع حکمرانی متفاوت است؛ حکمرانی خوب مبتنی بر انسان محوری، دنیاگرایی و ماده گرایی است، ولی حکمرانی شایسته مبتنی بر خدا محوری است، اگرچه به ماده و معنا و دنیا و آخرت - هر دو به صورت همزمان - توجه دارد.

منابع و مآخذ

- آرایبی، وحید، (۱۳۸۸) حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی گزارش، ش ۶
- پور آقایی، سپیده، (۱۳۸۳) شاخص های حکمرانی به روایت بانک جهانی، **گزارش**، ش ۱۵۴
- حسین زاده بحرینی، محمد حسین ۱۳۸۳، بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه ها و سیره حکومت امام علی علیه السلام، دفتر بررسی های اقتصادی
- حق پناه، رضا، فلسفه مندی حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ش ۲۶، ص ۱۹۲-۱۵۸.
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش های تخصصی چشم انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری
- درخشه، جلال و جبار شجاعی (۱۳۹۶)، «شاخص های حکمرانی خوب در اندیشه و عمل امام علی (ع)»، پژوهش های علم و دین، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۱،
- رهنورد، فرج الله، (۱۳۸۸) مؤلفه ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم انداز ۱۴۰۴، گزارش پژوهشی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت، کمیته نظام اداری و مدیریت.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۲) اصول سیاست در سیره عملی امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ش ۷، ص ۲۵-۴۱
- سروش، محلاتی محمد (۱۳۸۰) اهداف و آرمان های حکومت، قبسات، ش ۲۰ و ۲۱،
- شریف زاده، فتاح و رحمت الله قلی پور (۱۳۸۲)، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره ۴.
- صوفی مجیدپور، مسعود (۱۳۸۳) نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه، ماه علوم اجتماعی، ش ۸۷
- قلیپور، رحمت اله (۱۳۸۳)، «نقش دولت و حکمرانی خوب در تحلیل و امکان سنجی در ایران»، دانش مدیریت، شماره ۶۷: ۸۵-۱۱۱.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۲، کاوش ها و چالش ها، تحقیق و نگارش، محمد مهدی نادری و سید ابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)،

- میدری، احمد، جعفر خیر خواهان، (۱۳۸۳) حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- میری، احمد و جعفری خیر خواهان (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس. نقیبه
- متفکر، حسین، (۱۳۹۸) الزامات بینشی و عملی منتظران ظهور حضرت مهدی در اندیشه دفاعی و امنیتی مقام معظم رهبری)
- نادری، محمد مهدی، (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، **اسلام و پژوهش های مدیریتی**، ش ۱
- ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۷) حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶
- یزدانی زنوز، هرمز (۱۳۸۸)، «بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب»، فصلنامه حقوق عمومی، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۵، صص ۴۹ تا ۷۰.

• سایت سازمان ملل WHAT IS GOOD GOVERNANCE?

- <http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/gg/governance.asp>